

نغمه حروف در قرآن کریم

سید احمد محمودی

جلوه‌های اعجازی قرآن کریم هم در معنا و محتوی مشهود است و هم در کلام و موسیقا. از ابتدای نزول کتاب خدا دانشمندان علوم ادبی درصدد بیان جنبه‌های اعجاز کلامی قرآن کریم برآمدند و برای تبیین فصاحت و بلاغت آن، علوم بلاغی معانی بیان و بدیع را پایه‌گذاری کردند. در بخشی از این علم که آرایه‌های بدیعی نام دارد به نکاتی چند اشاره می‌شود که سبب زیبایی و آرایش سخن در متون منثور و منظوم می‌شود.

واج آرابی یا نغمه حروف یکی از آرایه‌های ادبی به حساب می‌آید.

واج عبارت است از کوچکترین جزء نقش دار کلام که سبب تمیز معنا میان هر واژه می‌شود هجا یا بخش مقدار آوابی است که با یک بار باز شدن دهان ادا می‌شود و از واج‌ها پدید می‌آید.

بنابراین، واج آرابی عبارت است از: تکرار یک واج در واژه‌های یک مصراع، بیت و یا متن ادبی به گونه‌ای که باعث ایجاد موسیقی درونی در متن شود و بر تأثیر شعر یا متن بیفزاید. این مصراع از حافظ با تکرار حرف «چ» تداعی کننده واج آرابی است.

سر و چمان من چرا میل چمن نمی کند

و یا این مصرع که واج آرابی حرف «سین» است

دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساقی بود

در واج آرابی، نویسنده متن، علاوه بر اینکه با تکرار آگاهانه حرف، سبب ایجاد موسیقی درونی در متن می‌شود؛ معنای مورد نظر خود را نیز بیان می‌کند که در این صورت متن به آرایه دیگری نیز به نام صدا معنایی آراسته می‌شود.



به شعر منوچهری دامغانی توجه کنید که با تکرار حرف «خ» و «ز» واج آرای و صدا معنایی را به نوعی در هم آمیخته است که خواننده متن خود صدای ریزش و خرد شدن برگها را در فصل خزان به خوبی حس می کند.

خیزید و خز آید که هنگام خزان است
باد خنک از جانب خوارزم وزان است
آن برگ رزان بین که برآن شاخ رزان است
گویی به مثل پیرهن رنگ رزان است
قرآن کریم پیشگام در ارائه این آرایه ادبی است. برای نمونه به تکرار و بسامد حرف «ق» در آیه ۲۷ سوره مائده دقت کنید.

﴿واتل عليهم نبأ ابني آدم بالحق إذ قرَّبنا قرباناً فتقبل من أحدهما ولم يتقبل من الآخر قال لاقتلنك قال إنما يتقبل الله من المتقين﴾؛ «و داستان دو فرزند آدم را به حق بر آنان بخوان. هنگامی که هر کدام کاری برای تقرب (به پروردگار) انجام دادند اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد».

(برادری که عملش مردود شده بود به برادر دیگر) گفت: به خدا سوگند تو را خواهم کشت. (برادر دیگر) گفت: (من چه گناهی دارم؟ زیرا) خداوند تنها از پرهیزکاران می پذیرد.
در بخشی از آیه ۱۹۴ سوره بقره نیز تکرار حرف «ع» جالب توجه است.
﴿فمن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم﴾؛ «و هر کس به شما تعدی کرد همانند آن بر او تعدی کنید».

به عقیده برخی از دانشمندان زبان شناس واژه ها، پیوندی طبیعی با معنا دارند؛ یعنی در پیدایش الفاظ نوع انتخاب حرف بر اساس معنای مورد نظر واژه صورت گرفته است به عنوان مثال برای کلماتی که معنایی خشن و سخت دارند، از حروف درشتی همانند «خ»، «غ»، «ق» استفاده می شود. گویند از زبان شناس شهیر عرب سیوطی معنای واژه فارسی اذغاغ را سؤال کردند او گفت: در این لفظ خشکی و خشونت دیده می شود. به نظر می آید به

معنای سنگ باشد و درست می گفت چون اذغاغ به معنای سنگ است .

در زبان عربی واژه لینت به معنای نرمی از حروف نرم که استفال دارد استفاده شده و در مقابل در کلمه غلظت از دو حرف «غ» و «ظ» بهره برده شده که درشتی و استعلاء دارد . در آیه ذیل نحوه استفاده از حروف و صدا معنایی به وضوح دیده می شود .

﴿فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك﴾ ؛ «به برکت رحمت الهی ، در برابر آنان نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می شدند» .

در آیه شریفه زمانی که سخن از رحمت و مهربانی به میان آمده است از حروف نرم استفاده می شود و هرگز از حروف درشت و مستعلیه استفاده نشده است ، اما در بخش بعدی آیه که می فرماید : اگر خشن و سنگدل بودی ، از حروف درشت همانند «ظ» ، «غ» ، «ق» استفاده شده است . با توجه به این مطالب ، در واج آرای و صدا معنایی نویسنده متن به بار آوایی معنای واج ها و حروف توجه خاص دارد ، اگر حرف «ق» در آیه ۲۷ سوره مائده تکرار می شود بسامد آن القاء کننده فضای داستان قتل هابیل است و اگر در آیه ۱۹۴ سوره بقره حرف «عین» تکرار می شود حرف مستعلیه عین یادآور فضای عداوت و تعدی و تجاوز است .

اگر هنرمندان برای القای حس متون مورد نظر خود در نمایش ها ، تأثیرها و یا برنامه های رادیویی و تلویزیونی به موسیقایی متناسب با افکت ها می پردازند . قرآن کریم - که معجزه الهی است - با حروف و واژه های خود حس مورد نظر را القاء می کند و حتی اگر شنونده و یا خواننده این مطلب را نداند بر او تأثیر مناسب را خواهد گذاشت .

